



١٠٩٥٦٩

۸۷/۱/۱۰۱۱
۸۷/۱/۱۰۱۱



دانشکده کشاورزی

پایان نامه ی کارشناسی ارشد در رشته مهندسی کشاورزی (اقتصاد کشاورزی)

بررسی تاثیر سیاست های سرکوب مالی بر بهره وری سرمایه و رشد
اقتصادی در بخش کشاورزی

توسط

ساناز منصوری

استاد راهنما:

دکتر جواد ترکمانی

کتابخانه مرکزی
شاهرود

۱۳۸۷ / ۱۰ / ۵

شهریور ماه ۱۳۸۶

۱۰۹۵۶۹

به نام خدا

بررسی تاثیر سیاستهای سرکوب مالی بر بهره وری سرمایه و رشد اقتصادی در بخش
کشاورزی

بوسیله ی :

ساناز منصوری

پایان نامه

ارائه شده به دانشکده تحصیلات تکمیلی به عنوان بخش از فعالیت های تحصیلی لازم برای اخذ
درجه کارشناسی ارشد

در رشته ی:

اقتصاد کشاورزی

از دانشگاه شیراز

شیراز

جمهوری اسلامی ایران

ارزیابی و تصویب شده توسط کمیته پایان نامه با درجه : عالی

دکتر جواد ترکمانی، استاد بخش اقتصاد کشاورزی (رئیس کمیته).....

دکتر بهاءالدین نجفی، استاد بخش اقتصاد کشاورزی (استاد مشاور).....

دکتر عبدالکریم اسماعیلی، استادیار بخش اقتصاد کشاورزی (استاد مشاور).....

جناب آقای علی حسین صمدی، مربی پژوهشی مرکز تحقیقات اقتصادی (استاد مشاور).....

شهریور ۱۳۸۶

تقدیم به:

پدر و مادر عزیزم

سپاسگزاری

سپاس خداوند بی منت را سزااست. بر خود لازم می‌دانم از زحمات بی‌دریغ جناب آقای دکتر جواد ترکمانی، استاد راهنمای این رساله که در کنار تعلیمات ارزنده، همواره مرا به تلاش و پویایی رهنمون بودند، کمال تشکر و امتنان را بنمایم. همچنین از زحمات و راهنمایی‌های مفید اساتید مشاور گرامی، جناب آقای دکتر بهاء‌الدین نجفی، دکتر عبدالکریم اسماعیلی و علی حسین صمدی که صادقانه دانسته‌های خود را در اختیار من گذاشتند تشکر می‌نمایم. تلاشهای بی‌شائبه دکتر محمد بخشوده، دکتر منصور زیبایی و دکتر سلطانی در طول دوره تحصیل را هیچگاه فراموش نخواهم کرد. و در نهایت از پدر و مادر مهربانم که همواره در این مسیر مرا مورد حمایت و تشویق خود قرار دادند سپاسگزارم.

ساناز منصوری

کارشناسی ارشد اقتصاد کشاورزی

شهریور ۱۳۸۶

چکیده

بررسی تاثیر سیاست‌های سرکوب مالی بر بهره‌وری سرمایه و رشد اقتصادی در بخش کشاورزی

به وسیله‌ی:

ساناز منصوری

بخش کشاورزی در ایران، سهم عمده‌ای از تولید ناخالص داخلی را به خود اختصاص داده است. رشد اقتصادی این بخش نیز مانند هر بخش دیگر در گرو عوامل و نهاده‌های متعددی است که یکی از مهم‌ترین آنها استفاده کارا تر از نهاده‌های موجود از جمله سرمایه می‌باشد. بنابراین بررسی نحوه تاثیر متغیرهای مختلف اقتصادی بر رشد اقتصادی و بهره‌وری سرمایه در این بخش همواره حائز اهمیت بوده است. از طرفی طی دهه‌های گذشته نحوه تاثیر سیاست‌های سرکوب مالی بر متغیرهای کلان اقتصادی همواره یکی از موضوعات مورد توجه اقتصاددانان مختلف بوده است لذا در این تحقیق سعی شده تاثیر این سیاست‌ها بر بهره‌وری سرمایه و رشد اقتصادی بخش کشاورزی به کمک آزمون هم‌جمعی گری‌گوری - هانسن و روش حداقل مربعات معمولی پویا (DOLS) مورد بررسی قرار گیرد. داده‌های مورد نیاز این مطالعه شامل: رشد تولید ناخالص داخلی کشاورزی، پس‌انداز مالی و غیر مالی، موجودی و بهره‌وری سرمایه، هزینه‌های غیر مولد دولت، معیارهای سرکوب مالی و سرمایه انسانی می‌باشد. نتایج این مطالعه نشان داد ضریب سیاست‌های سرکوب مالی بر بهره‌وری سرمایه معنادار نمی‌باشد. در حالیکه در الگوی رشد، ضریب تاثیر معیار سرکوب مالی، تنها در صورتی که از سیاست کنترل نرخ ذخیره احتیاطی استفاده شود بر رشد اقتصادی این بخش معنی‌دار خواهد بود. این امر نشان می‌دهد دولت می‌تواند با تعدیل تدریجی یا حذف این سیاست، رشد سریعتر اقتصادی را در بخش کشاورزی تجربه نماید. ضریب مثبت و معنی‌دار موجودی سرمایه در الگوی بهره‌وری سرمایه نشان از بازده فزاینده نسبت به مقیاس برای این نهاده دارد. در صورتی که دولت بتواند زمینه‌های مناسب سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی را به‌طور صحیح شناسایی نماید و برنامه هدایت سرمایه به پروژه‌های کارا در این بخش را در دستور اجرایی کار خود قرار دهد می‌تواند زمینه افزایش بهره‌وری سرمایه در بخش کشاورزی را فراهم آورد.

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
فصل اول- مقدمه.....	۱
۱-۱- اهمیت موضوع.....	۱
۲-۱- اهداف تحقیق.....	۳
۳-۱- فرضیات تحقیق.....	۳
فصل دوم- مروری بر مطالعات انجام شده.....	۴
۱-۲- مقدمه.....	۴
۲-۲- مطالعات داخلی.....	۴
۳-۲- مطالعات خارجی.....	۶
۱-۳-۲ . بهره‌وری سرمایه و سرکوب مالی.....	۶
۲-۱-۳-۲- مطالعات نظری بهره‌وری سرمایه و سرکوب مالی.....	۶
۲-۱-۳-۲- مطالعات تجربی بهره‌وری سرمایه و سرکوب مالی.....	۸
۲-۳-۲- رشد و سرکوب مالی.....	۹
۱-۲-۳-۲- مطالعات نظری رشد و سرکوب مالی.....	۹
۲-۲-۳-۲- مطالعات تجربی رشد و سرکوب مالی.....	۱۱
۴-۲- جمع‌بندی نتایج مطالعات.....	۱۶
فصل سوم- تئوری و روش تحقیق.....	۱۸
۱-۳- مقدمه.....	۱۸
۲-۳- مبانی نظری موضوع.....	۱۸
۱-۲-۳- تعریف سرکوب مالی.....	۱۸
۲-۲-۳- سرکوب مالی در ادبیات اقتصادی.....	۱۹

عنوان صفحه

۱۹.....	۳-۲-۱- سرکوب گرایان:
۲۰.....	۳-۲-۲- ساختارگرایان مالی
۲۰.....	۳-۲-۳- ساختارگرایان جدید
۲۱.....	۳-۲-۴- پساکینزی‌ها
۲۲.....	۳-۳- مبنای نظری الگوی مورد استفاده
۲۴.....	۳-۴- مبنای نظری شاخص‌ها
۲۴.....	۳-۴-۱- شاخص بهره‌وری سرمایه
۲۵.....	۳-۴-۲- موجودی سرمایه
۲۶.....	۳-۴-۳- معیارهای سرکوب مالی
۲۷.....	۳-۴-۱- معیار اول سرکوب مالی (FININT)
۲۷.....	۳-۴-۲- معیار دوم سرکوب مالی (FINRES)
۲۷.....	۳-۴-۳- معیار سوم سرکوب مالی (FINC)
۲۸.....	۳-۴-۴- معیار چهارم سرکوب مالی (FINM)
۲۸.....	۳-۵- مباحث اقتصادسنجی
۲۸.....	۳-۵-۱- آزمونهای مانایی
۲۹.....	۳-۵-۱-۱- آزمون زیووت و اندروز (۱۹۹۲)
۳۱.....	۳-۵-۲- معرفی روش هم‌جمعی گری گوری - هانسن (۱۹۹۶)
۳۳.....	۳-۵-۳- روش حداقل مربعات معمولی پویا DOLS استوک- واتسن (۱۹۹۳)
۳۵.....	فصل چهارم- نتایج و بحث
۳۵.....	۴-۱- مقدمه
	۴-۲- بررسی وجود یا عدم وجود شکست ساختاری و آزمون ریشه واحد در متغیرها
۳۵.....	۴-۲-۱- بررسی وجود شکست ساختاری در متغیرهای مورد استفاده در الگو با رسم نمودارها
۳۶.....	۴-۲-۱-۱- بهره‌وری سرمایه
۳۶.....	۴-۲-۱-۲- پس‌انداز مالی و غیر مالی
۳۷.....	۴-۲-۱-۳- موجودی سرمایه
۳۸.....	۴-۲-۱-۴- هزینه‌های غیر مولد دولت

عنوان

صفحه

۳۹.....	۴-۲-۱-۵- تحصيلات دوره متوسطه و ابتدایی
۴۰.....	۴-۲-۱-۶- توليد ناخالص داخلي کشاورزی
۴۱.....	۴-۲-۱-۷- شاخص قيمتی کالاهای صنعتی
۴۲.....	۴-۲-۲- تعيين درونزای سال شکست ساختاری بر اساس آزمون زیوت اندریوز (۱۹۹۲)
۴۴.....	۴-۳- نتایج آزمون ریشه واحد با وجود تغییر جهت ساختاری
۴۶.....	۴-۴- نتایج تحقیق
۴۷.....	۴-۴-۱- نتایج آزمون هم‌جمعی گری گوری - هانسن (۱۹۹۶) برای الگوی بهره‌وری سرمایه و سرکوب مالی
۴۷.....	۴-۴-۱-۱- نتیجه آزمون هم‌جمعی گری گوری - هانسن : بهره‌وری سرمایه و معیار اول سرکوب مالی FININT
۴۸.....	۴-۴-۱-۲- نتیجه آزمون هم‌جمعی گری گوری - هانسن : بهره‌وری سرمایه و معیار دوم سرکوب مالی FINRES
۴۸.....	۴-۴-۱-۳- نتیجه آزمون هم‌جمعی گری گوری - هانسن: بهره‌وری سرمایه و معیار سوم سرکوب مالی FINC
۴۹.....	۴-۴-۱-۴- نتیجه آزمون هم‌جمعی گری گوری- هانسن: بهره‌وری سرمایه و معیار چهارم سرکوب مالی FINM
۵۰.....	۴-۴-۲- جمع‌بندی نتایج آزمون هم‌جمعی گریگوری - هانسن (۱۹۹۶) برای الگوی بهره‌وری سرمایه و معیارهای سرکوب مالی
۵۰.....	۴-۴-۳- تخمین رابطه هم‌جمعی با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی پویای استوک- واتسن (۱۹۹۳) یا DOLS
۵۱.....	۴-۴-۳-۱- تخمین رابطه هم‌جمعی با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی پویا: بهره‌وری سرمایه و معیار اول سرکوب مالی FININT
۵۱.....	۴-۴-۳-۲- تخمین رابطه هم‌جمعی با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی پویا: بهره‌وری سرمایه و معیار دوم سرکوب مالی FINRES
۵۲.....	۴-۴-۳-۳- تخمین رابطه هم‌جمعی با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی پویا : بهره‌وری سرمایه و معیار سوم سرکوب مالی FINC

عنوان صفحه

۴-۳-۴-۴	تخمین رابطه هم‌جمعی با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی
۵۳	پویا: بهره‌وری سرمایه و معیار چهارم سرکوب مالی FINM.....
۴-۴-۴	جمع‌بندی نتایج تخمین پارامترهای روابط بلندمدت بین بهره‌وری
۵۴	سرمایه و معیارهای سرکوب مالی.....
۵-۴-۴	نتایج تخمین الگوی رشد و سرکوب مالی با استفاده از روش حداقل
۵۴	مربعات معمولی پویای استوک-واتسن (۱۹۹۳) یا DOLS.....
۱-۵-۴-۴	تخمین الگوی رشد و معیار اول سرکوب مالی FININT با استفاده از
۵۵	روش حداقل مربعات معمولی پویا.....
۲-۵-۴-۴	تخمین الگوی رشد تولید ناخالص داخلی کشاورزی و معیار دوم
۵۶	سرکوب مالی FINRES با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی پویا.....
۳-۵-۴-۴	تخمین الگوی رشد تولید ناخالص داخلی کشاورزی و معیار سوم
۵۷	سرکوب مالی FINC با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی پویا.....
۴-۵-۴-۴	تخمین الگوی رشد تولید ناخالص داخلی کشاورزی و معیار چهارم
۵۷	سرکوب مالی FINM با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی پویا.....
۶-۴-۴	جمع‌بندی نتایج تخمین الگوی رشد و سرکوب مالی.....
۶۰	فصل پنجم- خلاصه و پیشنهادات.....
۶۰	۱-۵- مقدمه.....
۶۰	۲-۵- خلاصه نتایج.....
۶۰	۱-۲-۵- بهره‌وری سرمایه و سرکوب مالی.....
۶۱	۲-۲-۵- سرکوب مالی و رشد اقتصادی کشاورزی.....
۶۲	۳-۵- پیشنهادات.....
۶۴	منابع.....
۷۱	ضمائم.....
	(ضمیمه ۱): مقادیر بحرانی دامنه چپ برای توزیع مجانبی $\inf(t)$ زیوت و اندریوز
۷۱(۱۹۹۲)
۷۲	(ضمیمه ۲): مقادیر بحرانی آزمون گری‌گوری-هانسن برای آماره‌های Z ، ADF و Z
۷۳	(ضمیمه ۳): برنامه نرم افزاری GAUSS: آزمون زیوت اندریوز (۱۹۹۲).....
۸۷	(ضمیمه ۴): برنامه نرم افزاری GAUSS: آزمون هم‌جمعی گری‌گوری - هانسن (۱۹۹۶).....

فهرست جداول

صفحه	عنوان
۴۱.....	جدول (۱-۴): نتایج حاصل از آزمون‌های ریشه واحد با وجود تغییر جهت ساختاری: آماره مدلهای آزمون زیوت اندریوز(۱۹۹۲) برای الگوی بهره‌وری سرمایه و سرکوب مالی.....
۴۲.....	جدول (۲-۴): نتایج حاصل از آزمون‌های ریشه واحد با وجود تغییر جهت ساختاری: آماره مدلهای آزمون زیوت اندریوز(۱۹۹۲) برای الگوی سرکوب مالی و رشد.....
۴۳.....	جدول (۳-۴): نتایج آزمون ریشه واحد با وجود تغییر جهت ساختاری متغیرهای مورد استفاده در الگوی بهره‌وری و سرکوب مالی بر اساس آزمون زیوت اندریوز (۱۹۹۲).....
۴۳.....	جدول (۴-۴): نتایج آزمون ریشه واحد با وجود تغییر جهت ساختاری متغیرهای مورد استفاده در الگوی بهره‌وری و سرکوب مالی: آزمون زیوت اندریوز (۱۹۹۲).....
۴۴.....	جدول (۵-۴): مقایسه نتایج آزمون ریشه واحد متغیرهای مورد استفاده در الگوی بهره‌وری سرمایه و سرکوب مالی به کمک آزمون‌های زیوت اندریوز (۱۹۹۲)، پرون و دیکی فولر تعمیم یافته.....
۴۴.....	جدول (۶-۴): مقایسه نتایج آزمون ریشه واحد متغیرهای مورد استفاده در الگوی رشد اقتصادی و سرکوب مالی به کمک آزمون‌های زیوت اندریوز (۱۹۹۲)، پرون و دیکی فولر تعمیم یافته.....
۴۶.....	جدول (۷-۴): نتایج آزمون هم‌جمعی گری‌گوری-هانسن(۱۹۹۶): بهره‌وری سرمایه و معیار اول سرکوب مالی FININT.....
۴۷.....	جدول (۸-۴): نتایج آزمون هم‌جمعی گری‌گوری-هانسن(۱۹۹۶): بهره‌وری سرمایه و معیار دوم سرکوب مالی FINRES.....
۴۷.....	جدول (۹-۴): نتایج آزمون هم‌جمعی گری‌گوری-هانسن(۱۹۹۶): بهره‌وری سرمایه و معیار سوم سرکوب مالی FINC.....

جدول (۴-۱۰): نتایج آزمون هم‌جمعی گری‌گوری-هانسن (۱۹۹۶): بهره‌وری سرمایه و معیار چهارم سرکوب مالی FINM	۴۸
جدول (۴-۱۱): جمع‌بندی نتایج آزمون هم‌جمعی گری‌گوری-هانسن (۱۹۹۶): بهره‌وری سرمایه و معیارهای سرکوب مالی	۴۹
جدول (۴-۱۲): نتایج تخمین رابطه هم‌جمعی به روش DOLS: بهره‌وری سرمایه و معیار اول سرکوب مالی FININT	۵۰
جدول (۴-۱۳): نتایج تخمین رابطه هم‌جمعی به روش DOLS: بهره‌وری سرمایه و معیار دوم سرکوب مالی FINRES	۵۱
جدول (۴-۱۴): نتایج تخمین رابطه هم‌جمعی به روش DOLS: بهره‌وری سرمایه و معیار سوم سرکوب مالی FINC	۵۱
جدول (۴-۱۵): نتایج تخمین رابطه هم‌جمعی به روش DOLS: بهره‌وری سرمایه و معیار چهارم سرکوب مالی FINM	۵۲
جدول (۴-۱۶): خلاصه نتایج تخمین رابطه هم‌جمعی به روش DOLS: بهره‌وری سرمایه و معیارهای سرکوب مالی	۵۳
جدول (۴-۱۷): نتایج تخمین معادله رشد تولید ناخالص داخلی کشاورزی و سرکوب مالی FININT	۵۴
جدول (۴-۱۸): نتایج تخمین الگوی رشد تولید ناخالص داخلی کشاورزی و معیار دوم سرکوب مالی FINRES	۵۵
جدول (۴-۱۹): نتایج تخمین الگوی رشد تولید ناخالص داخلی کشاورزی و معیار سوم سرکوب مالی FINC	۵۶
جدول (۴-۲۰): نتایج تخمین الگوی رشد تولید ناخالص داخلی کشاورزی و معیار چهارم سرکوب مالی FINM	۵۷
جدول (۴-۲۱): خلاصه نتایج تخمین الگوی رشد تولید ناخالص داخلی کشاورزی و معیارهای سرکوب مالی	۵۸

فهرست تصاویر

صفحه	عنوان
۳۵.....	نمودار (۱-۴) بررسی وجود شکست ساختاری در متغیر بهره‌وری سرمایه
۳۶.....	نمودار (۲-۴) بررسی وجود شکست ساختاری در متغیر پس‌انداز مالی
۳۶.....	نمودار (۳-۴) بررسی وجود شکست ساختاری در متغیر پس‌انداز غیر مالی
۳۷.....	نمودار (۴-۴) بررسی وجود شکست ساختاری در متغیر موجودی سرمایه
۳۷.....	نمودار (۵-۴) بررسی وجود شکست ساختاری در متغیر هزینه‌های غیر مولد دولت
۳۸.....	نمودار (۶-۴) بررسی وجود شکست ساختاری در متغیر تحصیلات دوره متوسطه
۳۸.....	نمودار (۷-۴) بررسی وجود شکست ساختاری در متغیر تحصیلات دوره ابتدایی
	نمودار (۸-۴) بررسی وجود شکست ساختاری در متغیر تولید ناخالص داخلی
۳۹.....	کشاورزی
۳۹.....	نمودار (۹-۴) رشد تولید ناخالص داخلی کشاورزی
	نمودار (۱۰-۴) بررسی وجود شکست ساختاری در متغیر شاخص قیمتی کالاهای
۴۰.....	صنعتی

فصل اول - مقدمه

۱-۱- اهمیت موضوع

سرکوب نظام مالی، نگرش و سیاست غالب در دهه ۱۹۵۰ بود که اغلب از طریق سه سیاست عمده کنترل نرخ بهره، ذخیره احتیاطی و اعتبارات هدایت شده، به منظور مقابله با عوامل شکست بازار و حذف شکاف میان سرمایه‌گذاری و پس‌انداز و افزایش رشد اقتصادی اجرا می‌شد. به باور روبینی و سالا-آی-مارتین (۱۹۹۵)، در اقتصادهایی با نظام مالی بر پایه اعتبارات، رجحان مقامات پولی برای نرخ بهره اسمی نسبتاً باثبات، یک سیاست برای اجتناب از بی‌ثباتی مالی است. هرچند سیاست اعتبارات هدایت شده و سایر طرح‌های تامین مالی برای سرمایه‌گذاری در کشورهای در حال توسعه بی‌عیب نیستند و ملاحظات سیاسی، سیاست‌های نادرست و حتی فساد مالی اثرات منفی قابل ملاحظه‌ای بر اقتصاد این کشورها دارد. اما با این وجود، سرکوب مالی هم‌چنان می‌تواند با توجه به ویژگی‌های نهادی نظام مالی مناسب باشد. روبینی و سالا-آی-مارتین (۱۹۹۵)، دلایل انتخاب سرکوب مالی توسط دولت‌ها را به صورت زیر ارائه نموده‌اند:

- ۱- استفاده از ابزار کنترل نرخ بهره به منظور مبارزه با رباخواری.
 - ۲- توانایی کنترل بهتر عرضه پول از طریق کنترل سیستم بانکی.
 - ۳- فرض عملکرد کارا تر دولت‌ها نسبت به بازارهای مالی در زمینه شناسایی شکست‌های بازار و تخصیص منابع محدود از جمله سرمایه به پروژه‌های سرمایه‌گذاری.
 - ۴- افزایش پایه پولی از طریق کنترل نرخ بهره و دستیابی به نوعی درآمد تورمی.
 - ۵- ابزاری مناسب برای جمع‌آوری مالیات با هزینه کمتر و نامحسوس‌تر.
 - ۶- ابزاری در جهت نیل به هدف توزیع درآمد دوباره دولت‌ها در بین افراد جامعه.
- بعد از دهه ۱۹۷۰ بسیاری از کشورهای در حال توسعه از نرخ راکد رشد اقتصادی و نرخ بالای تورم، تحت نظام سرکوب مالی رنج می‌بردند. در این شرایط اجرای سیاست‌های سرکوب مالی به دلیل بروز پیامدهای منفی آن مورد تردید قرار گرفت. برای فارغ شدن از این مشکلات

تعدادی از محققین نظیر مک کینون و شاو (۱۹۷۳)، آزادسازی مالی را مطرح کردند که به طور کل در برگیرنده سیاست نرخ بهره بالا برای شتاب بخشیدن به فرایند تجمیع سرمایه و در نتیجه رشد اقتصادی بیشتر با نرخ تورم کمتر بود. به باور مک کینون و شاو (۱۹۷۳) آزادسازی مالی سه تاثیر عمده بر اقتصاد کشورها خواهد داشت:

۱. سطح سرمایه‌گذاری را افزایش می‌دهد و منجر به رشد اقتصادی می‌گردد.
 ۲. شکاف بین تقاضای سرمایه‌گذاری و عرضه پس‌انداز (مازاد تقاضای سرمایه‌گذاری) را کاهش داده و رانت ایجاد شده در نظام مالی را از بین می‌برد. مهم‌تر آن‌که بازار غیررسمی پول را از رونق می‌اندازد و فاصله نرخ سود (بهره) در این دو بازار را کاهش می‌دهد.
 ۳. در نهایت، آزادسازی مالی، منجر به تخصیص بهینه منابع محدود می‌گردد. چرا که با افزایش نرخ بهره واقعی، فعالیت‌های سرمایه‌گذاری با بازدهی کم (که قبل از افزایش نرخ بهره سودآور بوده و تامین مالی می‌شدند) حذف خواهند شد و این امر باعث افزایش کارایی متوسط سرمایه‌گذاری می‌گردد.
- بنابراین الگوی آزادسازی مالی مک‌کینون و شاو (۱۹۷۳) اشاره می‌کند که در کشورهای درحال توسعه، افزایش در نرخ بهره واقعی، باعث افزایش پس‌انداز و سرمایه‌گذاری و در نهایت رشد اقتصادی می‌گردد.

در مورد تاثیر سیاست‌های سرکوب مالی بر بهره‌وری سرمایه و رشد نظریات مختلفی وجود دارد. به باور محققینی نظیر مک‌کینون و شاو (۱۹۷۳)، فرای (۱۹۷۸، ۱۹۸۰، ۱۹۸۲، ۱۹۹۵)، پاگانو (۱۹۹۳) مداخله دولت از طریق کنترل نرخ بهره و سایر محدودیت‌های کیفی و کمی اعمال شده بر سیستم بانکی، که به عنوان سیاست‌های سرکوب مالی شناخته می‌شوند، مانع توسعه مالی، کاهش حجم و بهره‌وری سرمایه و در نهایت رشد اقتصادی می‌گردند. لذا اکثر این محققین دولت‌ها را به اجرای سیاست‌های آزادسازی مالی تشویق می‌نمایند.

از طرفی این نظریه‌ها به بوته آزمایش گذاشته شد و به باور محققینی نظیر تیلور (۱۹۸۳)، منکیو (۱۹۸۶)، کالومیریس و هیملبرگ (۱۹۹۴)، استیگلیتز (۱۹۹۴)، آریستیس و دیمتریادیس (۱۹۹۹)، فانگ، مینگهو و ژو (۲۰۰۰)، دیمتریادیس و لواینتل (۲۰۰۱) اجرای صحیح سیاست‌های سرکوب مالی، افزایش بهره‌وری سرمایه و رشد اقتصادی را به همراه خواهد داشت.

ایران نیز از جمله کشورهای در حال توسعه‌ای است که سیاست‌های سرکوب مالی را اجرا می‌نماید. با این حال، در رابطه با تاثیر این سیاست‌ها بر بهره‌وری سرمایه و رشد، برخلاف کشورهای خارجی مطالعات محدودی صورت گرفته است و این موضوع در مورد بخش کشاورزی نیز صادق است. لذا با توجه به سهم بالای بخش کشاورزی در اقتصاد ایران در مطالعه حاضر سعی شده است تا با استفاده از داده‌های سری زمانی و به کمک آزمون هم‌جمعی

گریگوری- هانسن (۱۹۹۶) و روش حداقل مربعات معمولی پویای استوک- واتسن (۱۹۹۳)^۱، اثر این سیاست‌ها بر بهره‌وری سرمایه و رشد اقتصادی در این بخش مورد بررسی قرار گیرد.

۲-۱- اهداف تحقیق

با توجه به مطالب عنوان شده اهداف اصلی این مطالعه عبارتند از بررسی تاثیر سیاست‌های سرکوب مالی بر:

۱. بهره‌وری سرمایه در بخش کشاورزی.
۲. رشد تولید ناخالص داخلی بخش کشاورزی.

۳-۱- فرضیات تحقیق

مطالعه حاضر بر مبنای فرضیه‌های زیر می‌باشد:

۱. پدیده سرکوب مالی بر بهره‌وری سرمایه در بخش کشاورزی اثری معکوس دارد.
۲. سرکوب مالی، رشد اقتصادی بخش کشاورزی را کاهش می‌دهد.

1. Dynamic Ordinary Least Square (DOLS)

فصل دوم - مروری بر مطالعات انجام شده

۲-۱- مقدمه

در زمینه بررسی اثر سیاست‌های سرکوب مالی بر بهره‌وری سرمایه و رشد، نظریات مختلفی وجود دارد و مطالعات مختلفی به منظور تعیین میزان موفقیت دولت‌ها در اجرای این سیاست‌ها انجام شده است. از آنجا که بررسی این مطالعات و نتایج حاصل از اجرای سیاست‌های سرکوب مالی دولت‌ها در راستای اهداف این مطالعه می‌تواند راهنمای تدوین سیاست‌های مناسب‌تر اقتصادی گردد، لذا در این فصل به بررسی پاره‌ای از این مطالعات در داخل و خارج از کشور پرداخته شده است.

۲-۲- مطالعات داخلی

صمدی (۱۳۷۷)، با بررسی اثر ملی شدن بانک‌ها بر روند رشد اقتصادی ایران در دوره ۱۳۳۸ تا ۱۳۷۲ نشان داد که برنامه ملی‌سازی بانک‌ها موجب افزایش پس‌انداز مالی شده و فرضیه مک-کنیون - شاو در اقتصاد ایران تایید می‌شود. وی در (۱۳۷۸) در مطالعه‌ای دیگر به ارزیابی الگوهای مک‌کنیون و شاو و مکمل بودن پول و سرمایه فیزیکی در اقتصاد ایران در طول دوره ۱۳۳۸ تا ۱۳۷۲ پرداخت. بر اساس فرضیه الگوی مک‌کنیون و شاو، سیاست‌های سرکوب مالی، با کاهش نرخ رشد واقعی اقتصاد و اندازه واقعی نظام مالی، فرایند توسعه اقتصادی را متوقف ساخته یا به شدت کند و آهسته می‌نمایند. وی از توابع پس‌انداز، سرمایه‌گذاری و تقاضای پول، برای بررسی این موضوع کمک گرفت و نشان داد نتایج حاصل از برآورد این معادلات، از الگوی مک‌کنیون و شاو و فرضیه مکمل بودن پول و سرمایه فیزیکی حمایت می‌نماید. صمدی بیان داشت در صورتی که مسئولان جسارت حذف سیاست‌های سرکوب مالی را از طریق رها کردن سقف نرخ بهره واقعی به خود بدهند سطح سرمایه‌گذاری و پس‌انداز حقیقی افزایش خواهد یافت که منجر به افزایش مجدد درآمد و در نهایت رشد اقتصادی خواهد شد. صمدی (۱۳۷۹)،

در مطالعه دیگری رابطه بلندمدت و کوتاه‌مدت، بین متغیرهای گسترش مالی و رشد اقتصادی ایران را برای سال‌های ۱۳۳۸ تا ۱۳۷۴، مورد بررسی قرار داد. نتایج حاصله از این تحقیق نشان داد که یک رابطه علی کوتاه‌مدت بین این متغیرها در اقتصاد ایران، از سمت گسترش مالی به رشد اقتصادی وجود دارد و ایجاد و گسترش موسسات مالی جدید برای انباشت سرمایه و در نهایت رشد اقتصادی ضروری می‌باشد.

ختایی و سیفی‌پور (۱۳۷۸)، بیان داشتند کارکرد مالی از دو کانال نرخ انباشت سرمایه و نوآوری تکنولوژی بر رشد اقتصادی تاثیرگذار است. آن‌ها رابطه علی بین توسعه مالی و رشد اقتصادی را با استفاده از داده‌های فصلی سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۵ مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه رسیدند که توسعه بلندمدت بازار سهام و منابع مالی بخش خصوصی، اثر مثبت و بلندمدتی بر رشد اقتصادی دارد. در این مطالعه رابطه علیت یک‌طرفه و از سمت بخش حقیقی بوده است.

به باور قطمیری (۱۳۷۹)، ایجاد تقاضا در بخش واقعی را یک پیش‌شرط برای توسعه بخش مالی در ایران دانست. به عبارت دیگر به باور وی رشد اقتصادی مقدم بر توسعه مالی می‌باشد. شرکا و چراغی (۱۳۷۹)، بیان داشتند ساختار تامین مالی در اقتصاد ایران با اتکا بر نظام بانکی شکل گرفته است و بانک‌ها منابع پس‌انداز مردم را عموماً در اختیار بخش عمومی اقتصاد قرار می‌دهند. بعد از انقلاب با ملی‌شدن بانک‌ها، دولت، نظام بانکی را ملزم به اعطای تسهیلات اعتباری سرمایه‌گذاری به بخش‌های دولتی، تعاونی و خصوصی به ویژه در مناطق محروم جهت افزایش تولید و عرضه کالاها و خدمات نمود. این دو محقق به بررسی اثر تسهیلات تکلیفی، در قالب تبصره‌های سرمایه‌گذاری قوانین بودجه سنواتی، بر سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی طی دوره ۱۳۵۹ تا ۱۳۷۵ پرداختند و نتایج بررسی آن‌ها حاکی از آن بود که فرضیه تاثیر مثبت تسهیلات تکلیفی بر سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی در دوره مورد بررسی را نمی‌توان رد کرد. نتایج حاصل از مطالعه نظیفی (۱۳۸۳)، بر اساس داده‌های ۱۳۳۸ تا ۱۳۸۱ حاکی از آن است که توسعه مالی تاثیر منفی بر رشد اقتصادی ایران داشته است. وی دلیل این اثر منفی را نحوه نادرست آزادسازی مالی، ضعف مدیریت نظام بانکی و عدم شکل‌گیری بازار مالی منسجم و بهره‌مند از مقررات دانست که منجر به کاهش کارایی سرمایه‌گذاری از طریق تخصیص نابهینه منابع شده است. به عبارتی بر اساس یافته‌های وی، توسعه مالی تنها در صورتی می‌تواند منجر به رشد اقتصادی گردد که بتواند زمینه مناسب جهت تخصیص بهینه منابع را فراهم سازد و سبب افزایش کارایی سرمایه گردد.

کشاوریان و عظیمی (۱۳۸۴)، به بررسی اثر آزادسازی نرخ بهره بر سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی ایران در طول سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۸۱ پرداختند. به باور آن‌ها، نرخ بهره واقعی با سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی ایران رابطه مثبت دارد. چرا که در ایران به دلیل پایین بودن نرخ بهره، حجم پول نگهداری شده در دست مردم بالاست. با آزادسازی نرخ بهره و تعدیل آن در

نظام بانکی، تقاضای واقعی پول کاهش و سپرده‌های بلندمدت بانکی و سایر سرمایه‌گذاری‌های مالی، افزایش می‌یابد و این امر ثبات اقتصادی را به همراه خواهد داشت. به نظر ختایی و سیفی‌پور (۱۳۸۴)، گرچه تغییرات نرخ سود تسهیلات باید در سطح سرمایه‌گذاری‌ها موثر باشد اما در اقتصاد ایران از آنجایی که نرخ بهره بصورت دستوری تعیین شده و تمایلات بازارهای مالی در آن انعکاسی ندارد، کاهش نرخ سود تسهیلات، موجب افزایش سرمایه‌گذاری‌ها نخواهد شد. تنها در صورتی نرخ بهره می‌تواند بعنوان ابزاری مفید در جهت کنترل سطح سرمایه‌گذاری‌ها استفاده گردد که سیاست آزادسازی بازارهای مالی اجرا شده باشد.

عراقی و تقوی (۱۳۸۴)، پس از بررسی عوامل مختلفی مانند توسعه‌نیافتگی بازار پول و سرمایه ایران، عملکرد نامطلوب خصوصی‌سازی، ناکارایی نهادی، رانت، اقتصاد وابسته به نفت، فشار اقتصادی و عدم انضباط مالی، وابستگی اقتصاد ایران به نفت را موثرترین عامل برای تشویق دولت در راستای اجرای سیاست‌های سرکوب مالی معرفی کردند.

۲-۳- مطالعات خارجی

۲-۳-۱. بهره‌وری سرمایه و سرکوب مالی

۲-۳-۱-۱- مطالعات نظری بهره‌وری سرمایه و سرکوب مالی

تیلور (۱۹۸۳)، به نقش اطلاعات غیرشفاف در بازار مالی اشاره کرد و بیان داشت به دنبال اجرای سیاست‌های آزادسازی مالی، نرخ بهره داخلی افزایش خواهد یافت. این امر افزایش اشتباه در تخصیص سرمایه در بازار اعتبارات را به همراه خواهد داشت، بنابراین کنترل نرخ بهره می‌تواند اثرات مفیدی بر پایداری سیستم بانکی داشته باشد و از بروز بحران جلوگیری نماید و در عین حال کارایی سرمایه را افزایش دهد.

منکیو (۱۹۸۶)، بیان داشت دخالت دولت مثل اعطای اعتبارات به متقاضیان خاص می‌تواند به افزایش بهره‌وری سرمایه کمک کند. محدودیت اعمال شده بر نرخ بهره در صورتی که عملکرد دولت صحیح باشد منجر به پس‌انداز مالی بیشتر خواهد گردید و افراد تمایل بیشتری به پس‌انداز در بانک‌ها خواهند داشت که این خود به توسعه مالی کمک خواهد کرد.

اورفاندز و سولو (۱۹۹۰) و دی‌گریگوری (۱۹۹۳)، بیان داشتند نرخ تورم بالا نرخ بازده واقعی سرمایه را کاهش می‌دهد و نرخ رشد تجمیع سرمایه انسانی و تحقیقات را کند می‌نماید و از

این طریق باعث کاهش رشد اقتصادی می‌گردد. نرخ تورم بالا، میزان خطا در پیش‌بینی قیمت-ها را افزایش می‌دهد و تخصیص کارای منابع را با مشکل روبرو می‌سازد.

گرین وود و جاوانیکا (۱۹۹۰)، بیان داشتند واسطه‌های مالی، در امر تخصیص پس‌انداز به پروژه‌های سرمایه‌گذاری و ارزیابی صحیح آن‌ها کارا تر عمل می‌کنند و چنین واسطه‌هایی بطور متوسط، بازده بالاتری از پرتفولیوی دارایی‌هایشان نسبت به واحدهای خصوصی بدست می‌آورند.

استیگلیتز (۱۹۹۴)، به نمونه‌هایی از شکست بازار در سیستم مالی اشاره کرد که با تاثیر منفی سیاست‌های سرکوب مالی در تضاد است. به باور وی این فرضیه که سرکوب مالی به تخصیص ناکارای منابع منجر می‌شود مورد تردید می‌باشد. وی بیان داشت اعمال محدودیت و کنترل بر نرخ بهره که شایع‌ترین نوع سیاست سرکوب مالی است ممکن است حتی اثر مثبتی بر بازده سرمایه‌گذاری داشته باشد. حذف کنترل نرخ بهره منجر به ناپایداری اقتصادی می‌گردد و کاهش بهره‌وری سرمایه و رشد اقتصادی را به همراه دارد. به باور وی نوع تاثیر سیاست‌های سرکوب مالی به میزان موفقیت دولت در شناسایی شکست بازارها بستگی دارد. بررسی‌های دقیق تر وی نشان داد سرکوب مالی می‌تواند کارایی تخصیص سرمایه را افزایش دهد. او روند تاثیر مثبت نرخ بهره پایین بر بهره‌وری سرمایه را این‌گونه تفسیر نمود که نرخ بهره پایین انگیزه و ترکیب متقاضیان وام را به گونه‌ای تغییر می‌دهد که کیفیت انتظاری آن‌ها را افزایش می‌یابد. این اثر حتی اگر دولت پروژه‌ها را تصادفی انتخاب نماید نیز وجود دارد. سرکوب مالی دارایی فرد را افزایش می‌دهد زیرا در این حالت هزینه تامین سرمایه پایین است و در نهایت به دلیل محدودیت و کمیابی که ایجاد می‌نماید تخصیص کارا تر منابع را به همراه خواهد داشت.

کالومیریس و هیملبرگ (۱۹۹۴)، بیان داشتند اعتبارات هدایت‌شده‌ای که ثروت کافی جهت خرید زمین را در اختیار کشاورز قرار می‌دهد باعث بهبود تخصیص منابع می‌گردد. به باور آن‌ها میزان موفقیت این سیاست، به نوع مکانیسم انتخابی جهت اجرای آن‌ها بستگی دارد.

بوید و همکاران (۲۰۰۱)، در تحقیقشان نشان دادند تورم همواره همراه سیاست‌های سرکوب مالی خواهد بود و بخش مالی در محیطی که تورم بالا باشد توسعه نیافته تر و ناکارا تر عمل خواهد کرد. وقتی نرخ تورم خیلی بالا باشد کار برای واسطه‌های مالی مشکل می‌شود و اطلاعاتی که واسطه‌های مالی در مورد پروژه‌های سرمایه‌گذاری و بازده آن‌ها بدست می‌آورند با عدم اطمینان بالاتری همراه خواهد بود. این امر کاهش بهره‌وری سرمایه و رشد اقتصادی را به همراه خواهد داشت.